

بررسی ایراد به دادرس

بررسی ایراد به دادرس

در این مطلب به بررسی ایراد به دادرس می پردازیم.



هرگاه به جهاتی بیم خروج از بی طرفی دادرس دادگاهی رود که دعوا به او ارجاع شده، هر یک از اصحاب دعوا حق دارند که او را رد نمایند تا دادرس دیگری به دعوا رسیدگی کند. [۱] حتی در مواردی که ایراد رد دادرس طرح نشده باشد، دادرس مکلف است رأساً به آن توجه کند و تعلل وی در این زمینه تخلف انتظامی محسوب می شود. [۲]

جهات رد دادرس

به موجب ماده ۹۱ ق.آ.د.م. دادرس در موارد زیر باید از رسیدگی امتناع نموده و طرفین دعوا نیز می توانند او را رد نمایند:

الف) قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرس با یکی از اصحاب دعوا وجود داشته باشد.

ب) دادرس قیم یا مخدوم یکی از طرفین باشد و یا یکی از طرفین مباشر یا متکفل امور دادرس یا همسر او باشد.

ج) دادرس یا همسر یا فرزند او، وارث یکی از اصحاب دعوا باشد.

د) دادرس سابقاً در موضوع دعوی اقامه شده به عنوان دادرس یا داور یا کارشناس یا گواه اظهارنظر کرده باشد.

ه) بین دادرس و یکی از طرفین و یا همسر یا فرزند او دعوی حقوقی یا جزایی مطرح باشد و یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی، دو سال نگذشته باشد.

و) دادرس یا همسر یا فرزند او دارای نفع شخصی در موضوع مطروح باشند.

موارد رد دادرس منحصر و محدود به موارد ذکر شده در ماده ۹۱ بوده و به هیچ وجه قابل تسری به سایر موارد نیست. زیرا در صورت تعمیم دادن این موارد به مصادیق مشابه [] زمینه سوء استفاده قاضی و اصحاب دعوا فراهم می‌شود.

بدین معنا که قاضی با وسعت دادن دامنه ماده مذکور، از رسیدگی به پرونده‌های مهم و سخت‌شانه خالی کند و یا اصحاب دعوا به بهانه‌های واهی پرونده را از شعبه دادگاه به شعبه دیگری منتقل کنند. [۳] لازم به ذکر است جهات رد، اختصاص به قضات دادگاه‌های بدوی ندارد و شامل قضات دادگاه تجدیدنظر و دیوان عالی کشور نیز می‌شود. [۴]

شیوه رد دادرس و نحوه رسیدگی به ایراد رد

با توجه به حکم عام ماده ۸۷ ق.آ.د.م. مهلت ایراد رد دادرس، همانند دیگر ایرادات، تا پایان اولین جلسه دادرسی است؛ مگر این‌که سبب ایراد متعاقباً حادث شود و به عنوان مثال وصلتی بین دادرس و یکی از اصحاب دعوا در اثنای دادرسی صورت پذیرد. [۵] درخواست ایراد رد شکل ویژه‌ای ندارد و بنابراین اگر شفاهی است در صورت جلسه دادرسی نوشته می‌شود و اگر به موجب لایحه یا ضمن لایحه است، ثبت و پیوست پرونده می‌شود. [۶]

در صورتی که طرفین دعوا یا یکی از آنها دادرس را رد کند و دادرس ایراد را قبول نکند، با صدور قرار رد ایراد، رسیدگی به دعوا را ادامه می‌دهد. در صورت قبول ایراد، یا در مواردی که دادرس رأساً از رسیدگی امتناع می‌نماید، باید با ذکر جهت یا جهات رد، قرار امتناع از رسیدگی صادر و رسیدگی به دعوا را به دادرس دیگر محول نماید. [۷]

چنانچه دادگاه فاقد دادرس به اندازه کافی باشد، دادرس پرونده را برای تکمیل دادرسان یا ارجاع به شعبه دیگر نزد رییس شعبه اول ارسال می‌دارد و در صورتی که دادگاه فاقد شعبه دیگر باشد، پرونده را به نزدیک‌ترین دادگاه هم‌عرض ارسال می‌نماید. (ماده ۹۲ ق.آ.د.م.)

تصمیم دادرسی درباره ایراد و قطعی بودن آن

صرف ایراد رد و پذیرش دادرسی مربوط کافی است که دادرسی قرار امتناع از رسیدگی صادر نماید و لازم نیست دادرسی موافقت دادرسی دیگری را جلب کند. در صورتی که دادرسی بدون آن که جهت رد محرز باشد از رسیدگی خودداری نماید، مرتکب تخلف انتظامی شده است. [۸]

قرار امتناع از رسیدگی قطعی و غیرقابل عدول است. تشخیص صلاحیت هر قاضی با خود اوست. هرگاه دادرسی ایراد را قبول و قرار امتناع از رسیدگی صادر نماید، دادگاه مرجوع‌الیه یا دادرسی یا دادرسان دیگر مکلف رسیدگی بوده و حق اختلاف در خصوص قبول ایراد را ندارند و نمی‌توانند برای دادرسی که خود را مردود دانسته است، اعلام صلاحیت نمایند. [۹]

از سوی دیگر اگر دادرسی ایراد مطرح شده را وارد ندانسته و آن را رد کند، اعتراض ایرادکننده پذیرفته نمی‌شود. [۱۰] با این وجود، هرگاه یکی از اصحاب دعوا دادرسی را رد نماید و دادرسی علی‌رغم وجود جهت رد، به رسیدگی ادامه دهد، رأیی که صادر می‌نماید به استناد بند (د) ماده ۳۴۸ و ماده ۳۷۱ ق.آ.د.م. در حدود مقررات مربوط، در مرحله تجدیدنظر یا فرجام، حسب مورد، قابل فسخ یا نقض است. [۱۱]

منابع:

- [۱]. شمس، عبدالله؛ آیین دادرسی مدنی، دوره بنیادین، تهران، دراک، ۱۳۸۶، چاپ اول، ج ۳، ص ۳۸/
- [۲]. کریمی، عباس؛ آیین دادرسی مدنی، تهران، مجد، ۱۳۸۶، چاپ اول، ص ۲۰۹/
- [۳]. واحدی، قدرت‌الله؛ آیین دادرسی مدنی، تهران [میزان]، ۱۳۸۶، چاپ اول، ج ۳، ص ۵۷/
- [۴]. زراعت، عباس، محشای قانون آیین دادرسی مدنی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۶، چاپ اول، ص ۲۷۲/
- [۵]. متین‌دفتری، احمد؛ آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، تهران، مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۱، ج ۱ و ۲، ص ۲۷۱/
- [۶]. شمس، عبدالله؛ پیشین، ص ۴۰/
- [۷]. بهشتی، محمدجواد، مردانی، نادر؛ آیین دادرسی مدنی، تهران، میزان، ۱۳۸۵، چاپ اول، ج ۲، ص ۲۷۳/
- [۸]. شمس، عبدالله؛ پیشین، ص ۴۱/
- [۹]. بهشتی، محمدجواد، مردانی، نادر؛ پیشین، ص ۲۷۵/
- [۱۰]. مهاجری، علی؛ مبسوط در آیین دادرسی مدنی، تهران، فکرسازان، چاپ اول، ۱۳۸۶، ج ۱، صص ۴۰۹ - ۴۰۸/

[١١] . شمس، عبدالله؛ پيشين □ ص ٤١.

منبع: حقوق گستر